

ساحل چپ



کتاب دوم
قصه‌های کولیم

وارلام شالاموف

آ جده‌ی
ناله امغاده



آمارات خوارو

سرشناسه:	شالاموف، وارلام، ۱۹۰۷-۱۹۸۲ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Shalamov, Varlam
مشخصات نشر:	ساحل چپ/ وارلام شالاموف؛ ترجمه‌ی نازلی اصغرزاده.
مشخصات ظاهری:	تهران: مروارید، ۱۳۹۳.
فروست:	۳۱۲ ص.
شابک:	قصه‌های کولیم؛ ج. ۲
	978-964-191-345-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	
موضوع:	داستان‌های روسی - قرن ۲۰ م.
شناخته افزوده:	اصغرزاده، نازلی، ۱۳۲۱، مترجم.
ده‌بندی کنگره:	۱۳۹۳ س۲ ش۳۷ / PG ۳۴۶۴
رده‌بندی دیویی:	۸۹۱/۷۳۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۳۶۶۵۶۳۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵

دفتر: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۰۲۱-۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۰۲۱-۶۶۴۱۲۰۱۴۶ فاکس: ۰۲۱-۶۶۴۸۴۰۲۷

فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۴۷۸۴۸

www.nli.ir, varid-pub.com



ساحل چپ

قصه‌های کولیم (کتاب دوم)

وارلام شالاموف

ترجمه‌ی نازلی اصغرزاده

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول زمستان ۱۳۹۴

چاپخانه: کتاب شمس

تیراژ ۵۵۰

ISBN: 978-964-191-345-0

شابک ۰-۳۴۵-۱۹۱-۹۶۴-۹۷۸

۱۸۵۰۰۰ ریال

ه آرام شالاموف، نویسنده، در مجلد ساحل چپ، از قصه‌های کولیمای، بیشتر به شرح خاطرات خود از دوران اشتغال به کار پرستاری در بیمارستان‌های اردوگاه‌های کار اجباری در کرانه‌ی چپ رود کولیمای پرداخته‌اند. نکته‌ی نمایی که نویسنده بعد از گذر از دوران بلندمدت کار پرستاری و خدمت‌رسانی در معادن مخوف استخراج طلا و ذغال‌سنگ، به یاری درمان‌جویان غنودگی موفق می‌شود بعد از طی دوره‌ی پرستاری، در بیمارستان‌های آبرگاه، مشغول به کار شود.

فهرست

۷	مقدمه
۱۳	وکیل یهودیه
۱۸	جذامیان
۲۶	در بخش پذیرش
۳۲	تیم زمین شناسان
۴۱	خرس ها
۴۵	گردن بند شاهزاده خانم گاگارین
۵۸	ایوان قدرویچ
۷۶	آکادمیسین
۸۹	نقشه ی معدن الماس
۹۸	بی ایمان
۱۱۱	بهترین تعریف
۱۲۱	از نسل دکابریست
۱۵۰	کامبذ
۱۶۸	جادو
۱۷۴	لیذا
۱۸۸	آنورسم آئورت

- ۱۹۵ یک تکه گوشت
- ۲۰۶ برونده‌ی من
- ۲۲۷ زبان اسپرانتو (esperanto)
- ۲۳۸ جیره‌ی مخصوص
- ۲۴۲ آخرین نبرد مایور (سرگرد) پوگاچوف
- ۲۶۱ رئیس بیمارستان
- ۲۷۱ کتابفروش
- ۲۹۲ Lend lease
- ۳۰۵ Senter (حکمت)

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

وارلام شالاموف، عرب‌به‌عنوان نویسنده و شاعر برجسته‌ی روس، تحت توجهات روزافزونی قرار دارد. تاروی به بیشتر زبان‌های زنده‌ی دنیا، از جمله انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، ژاپنی و غیره ترجمه و با استقبال گسترده‌ی خوانندگان مواجه شده است که مجموعه‌ی شش‌جلدی «قصه‌های کولیما» در جمع این آثار جایگاه ویژه‌ای دارد. نثر شالاموف را باید از جنبه‌ی فلسفی و روان‌شناسی، پدیده‌ی مرگ و عام، تجزیه و تحلیل کرد. در «قصه‌های کولیما» نه تهدیدی هست و نه انداز! این جا مرگ و نیستی را در دنیای ادبی سیر می‌کنیم که سوژه را به بیان درمی‌آورد. مرگ پیش‌درآمد قصه است. مرز میان مرگ و زندگی پیش از آن‌که کتاب را باز کنیم و ساعت زمان را به راه اندازیم، شسته شده که ویژگی اصلی مانر نباشد. زندگی شالاموف است. هرچند، خواننده ابتدا در برداشت صحیح خود از این مانور دچار تردید می‌شود، زیرا نوشته‌های شالاموف را بیشتر باید از اسناد تاریخی پنداشت که خود نویسنده آن را «نثر نوین» می‌نامد.

شالاموف در ساختار داستانی خود، سبک نوین و فرای سنت‌های کلاسیک را ابداع می‌کند و روایت‌های تاریخی را سنگ زیربنای آن قرار می‌دهد و

بدین‌سان مستندات و ادبیات را به هم پیوند می‌دهد.

«قصه‌های کولیم» تحقیق و تفحصی است در راستای آرایه‌ی سبک نوین بیانی و روایی، در شرح ماجرای غیرمتعارف و تثبیت حکایت‌های استثنایی، چه از جنبه‌ی تاریخ بشری و چه رخنه در ژرفای روح آدمی.

«قصه‌های کولیم» نه خیال است و نه چکیده‌ی حقایق، بلکه ثمره‌ی تراثات مغزی بر پایه‌ی تجربه‌ها و روایت شخصی است. این‌جا از تغییر و تحریف اثری نیست و همه‌چیز بکر است. اگر هم پیش‌نویسی در کار بوده باشد، سبباً در ژرفای ذهن است. قصه‌های کولیم تثبیت استثناهایی است در شرایط استثنایی این‌جا نه رئالیسمی در کار است و نه رمانتیکسم و نه مدرنیسم که برای ادبیات است و هم‌زمان هم مستند است و هم غنی از قوه‌ی ادبی.

و اما برای درک روشن‌تر نهیم داستانی باید بیشتر شالاموف را در مقام نویسنده شناخت و درک کرد، تا شالاموف زندانی. شالاموف می‌نویسد: «من فقط تاریخچه‌ی روحم را روایت می‌کنم، نه بیشتر» و خارج از درک روح نویسنده، درک اصلیت وجودی آدمی و معنای تاریخ و رخدادهایش در آن برهه‌های زمانی مشخص، ناممکن است. مگر این ما هم و معانی می‌توانند در جایی به غیر از قلب آثار برجسته‌ی ادبی نهفته باشند؟

آنالیز نثر شالاموف از این نظر نیز پیچیدگی دارد که کاملاً نوین است و از حیث اصولی کم‌ترین شباهتی به ادبیات جهانی پیش از او ندارد.

سال‌های حکومت استالین، یکی از دوران‌های تراژیک تاریخ روسیه بوده است. پاکسازی‌ها، سرکوبی‌ها، تیرباران‌ها و فضای سنگین داخلی نمونه‌های اندکی از زندگی در این نظام استبدادی‌اند. دستگاه دهشتناک این نظام سرنوشت میلیون‌ها نفر از انسان‌ها را تباه کرد.

در مقدمه‌ی جلد اول «قصه‌های کولیم» کم‌وبیش با زندگی شالاموف و دیدگاه‌هایش و این‌که او یکی از شاهدان و نیز قربانیان این رخدادهای دهشتناک بوده است، آشنا شدیم. او هم تبعید را به خود دیده و هم زندان

و اردوگاه استالینی را. «قصه‌های کولیم» برای گرامیداشت خاطره‌ی انسان‌هایی نوشته شده که در راه پیشبرد کیش شخصیتی قربانی شدند. شالاموف با نشان دادن تصاویری از محکومان ماده‌ی پنجاه‌وهشتی (محکومان سیاسی)، بسیاری از مسایل روانی و اخلاقی را بازگو می‌کند. انسان‌ها در این شرایط سخت جوهره و ذات واقعی‌شان را آشکار می‌کنند. بین این افراد هم خائن هست و هم فرصت‌طلب که در اثر شرایط زندگی سخت جدید در هم می‌شکنند و هم افرادی که موفق می‌شوند در این شرایط غیرانسانی نیز تجربه انسانی‌شان را حفظ کنند.

در جلد اول «قصه‌های کولیم» شاهد هستیم که از دید نظام، دهشتناک‌ترین دشمنان، زندانیان سیاسی‌اند. تبهکاران، سارقان، جانیان، مفسدان که بر سرشوند با رشخند از آنان به نام «دوستان خلق» یاد می‌کند، مورد لطف بیشتر مسئولان قرار دارند.

در یکی از قصه‌های بعد از آن، صحنه‌ی ورق‌بازی محکومان را شاهد هستیم که به غارت وسایل شخصی یکی از محکومان و نیز قتل وحشیانه‌اش می‌انجامد. نویسنده چهره‌ی تبهکارانی را که «نانونوف» و «سوچکا» را نشان می‌دهد که زندگی انسان برای‌شان بی‌ارزش است، لحن آرام و عاری از هیجان نویسنده در نقل ماجرا، از مرسوم و متعارف بودن این قبیل صحنه‌ها در اردوگاه‌ها حکایت دارد و در داستان «شب» محضه‌ی مری بین بد و خوب، برای رسیدن به هدف غایی را که همان حفظ جان به هر قیمتی شده است، شاهد می‌شویم و در داستان دیگر، یکی از محکومان با حرفی مانندی ساق‌بند دوست دیرینه‌اش را برای استفاده‌ی خود، از پل جنازه، او درمی‌آورد.

در داستان «کارگاه نجاری» با انسان‌های فرهیخته‌ای آشنا می‌شویم که برای نجات جان خود و به‌خاطر گذراندن دست‌کم یک روز در مکانی گرم و خوردن لقمه‌ای نان، از فریبکاری ابایی ندارند.

و شخصیت داستان «شعاع انفرادی»، دانشجوی پیشین دانشگاه مسکو

که ناتوان از انجام کار شاق است، پس حقش است، تیرباران شود. تأثیر مهلک سیستم خودکامه بر شخصیت آدمی را در داستان «بسته‌ی پستی» شاهد هستیم، شادی بی‌مانندی از دریافت بسته‌ی پستی که پایان تراژیک دارد و در داستان «شیر عسل» می‌خوانیم: «گرسنگی مداوم حتی حس حسد و رشک‌مان را کند و ضعیف کرده بود.» فرید اعتراض نویسنده علیه وحشی‌گری مسئولان اردوگاه‌ها همواره بلند است.

در داستان «ران» می‌بینیم که «دشمنان خلق» (محکومان سیاسی) در شرایط هولناکی کار می‌کنند. و برای آنان کم‌ترین سرپیچی از فرمان‌ها به معنای استتار از مرگ و بزرگ‌ترین شانس، علیل کردن عاقدانه‌ی خودشان است که می‌تواند برای مدتی از کار جهنمی خلاص‌شان کند.

وارلام شالاموف در نامهای خطاب به سالزنتسین می‌نویسد «مهم‌ترین مسئله را نباید از یاد برد: اردوگاه یکت منفور زندگی است که شاهدانش مکلف به بیان حقایق آنند و من به سهم خود همه‌ی سال‌های باقی عمرم را وقف بازگویی این حقایق خواهم کرد.» شالاموف به عهد خود وفا کرد. مجموعه‌ی «قصه‌های کولیما» را نوشت، اثری که قله‌ی خلاقیت ادبی او شد.

و اینک در کتابی که پیش روی شماست، «ساحل چپ»، جلد دوم مجموعه‌ی «قصه‌های کولیما»، شاهد ماجراهای حیرت‌انگیز تردد می‌شویم و نیز با دیدگاه دیگر شالاموف در قالب حرفه‌ی پرستاری با نام‌های «کالوبوف» و «کریست» آشنا می‌شویم، دیدگاهی که در پی گذراندن دوره‌ی پرستاری و اشتغال به کار پرستاری در بیمارستان محکومان واقع در «ساحل چپ» رود بی‌نام‌ونشانی (عنوان جلد حاضر نیز از آن اقتباس شده) شکل می‌گیرد. این‌جا نه با تبهکاران، که همواره در شرایطی برتر در اردوگاه به‌سر می‌بردند، بلکه با متمرّاضانی آشنا می‌شویم که با توسل به انواع ترفندها در بیمارستان بستری می‌شوند. هر چند در این‌جا نیز کریست (شالاموف) راه

گریزی، از رفتن به سیاه‌چال ندارد. زیرا در کولیم، بیمارستان برای بسیاری از پرسوناژها، فقط معنای ایستگاه بین‌راهی به مقصد مرگ دارد.

در «قصه‌های کولیم»، مرگ و زندگی رویاروی هم قرار نمی‌گیرند و ماهیت منفک از هم ندارند، بلکه درون هم جاری‌اند و اغلب نمادهای‌شان را ردوبدل می‌کنند: وقتی جسم زنده‌ها (محکومان)، در چنگال تجزیه - سرمازدگی، اسکروز و پلاگرا گرفتار است و اجساد مردگان، از تجزیه باز می‌مانند، مردگان یخ‌بند، های ابدی که داستان «lend lease»، کتاب حاضر نیز تصویر روشنش را پیش روی مان می‌گشاید.

نتیجه‌گیری: دیگر حکایت‌های کتاب حاضر، بر عهده‌ی خواننده‌ی عزیز است که شخص شاموف نیز به‌عمد راه آن را باز می‌گذارد.

نازلی اصغرزاده